

با سلام :

ضمن ارسال رونوشتی از نقطه نظرات هیأت بررسی و تطبیق مصوبات دولت با قوانین که مورد تأیید اینجانب نیز می باشد نظر حضرتعالی را به نکات ذیل جلب و نظر تفسیری آن شورای محترم در خصوص اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی مورد تقاضاست :

۱- محدوده صلاحیت و مسئولیت دولت و رئیس مجلس شورای اسلامی در اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی

الف : اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی در آغاز با بیان این عبارت " علاوه بر مواردی که هیأت وزیران یا وزیری مأمور تدوین آئین نامه های اجرائی قوانین میشود ، هیأت وزیران حق دارد برای انجام وظائف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمانهای اداری به وضع تصویبنامه ها و آئین نامه ها بپردازد " اولاً این نکته را روشن می سازد که هیأت وزیران صلاحیت نامحدودی برای وضع تصویبنامه ها و آئین نامه ها نداشته ثانیاً معلوم میکند صلاحیت این هیأت در وضع تصویبنامه ها و آئین نامه ها محدود بموارد چهارگانه مذکور ، در این اصل یعنی وضع تصویبنامه یا آئین نامه برای ۱- اجرای قوانین ۲- انجام وظائف اداری ۳- تأمین اجرای قوانین و ۴- تنظیم سازمانهای اداری است و سپس در پاراگراف آخر اصل مزبور با این عبارت " تصویبنامه ها و آئین نامه های دولت و کمیسیونهای مذکور در این اصل ، ضمن ابلاغ برای اجراء به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی میرسد تا در صورتیکه آنها را برخلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدیدنظر به هیأت وزیران بفرستد " در واقع اراده واضعان قانون اساسی در لزوم تطابق مصوبات دولت با قوانین را اعلام میدارد

ب: اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی در آغاز با بیان قسمتی از پاراگراف سوم اصل مزبور با این عبارت " تصویبنامه ها و آئین نامه های دولت و مصوبات کمیسیونهای مذکور در این اصل " که مفید وضع تصویبنامه ها و آئین نامه هائی در چهارچوب موارد چهارگانه مذکور در پاراگراف اول اصل مذکور است در واقع صلاحیت امربررسی و اعلام نظر ماهوی رئیس مجلس را محدود به مصوباتی میداند که در چهارچوب موارد چهارگانه به تصویب رسیده است و سپس با تصریح به عبارت " تا در صورتیکه آنها را برخلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدیدنظر به هیأت وزیران بفرستد " به مسئولیت رئیس مجلس در بررسی و اعلام مغایرت یا عدم مغایرت مصوبات دولت با قوانین اشاره دارد .

وزود به دبیرخانه شورای نگهبان  
شماره ثبت : ۱۱۱ / ۱۱ / ۸۴ / ط  
تاریخ ثبت :  
اقدام کننده : ۱۵ / ۷ / ۸۴  
عصر

## تفسیر

نتایج مترتب بر مندرجات جزء های "الف" و "ب" این بند

لزوم قانونی وضع تصویبنامه و آئین نامه در چهارچوب موارد چهارگانه مذکور در پاراگراف اول اصل یکصد و سی و هشتم از طرف هیأت وزیران و نیز مقید و محدود بودن صلاحیت بررسی و اعلام نظر ماهوی رئیس مجلس بر اینکه وضع تصویبنامه ها و آئین نامه های مطروحه نزدی در چهارچوب موارد چهارگانه مزبور صورت گرفته باشد و یا به بیانی دیگر همانطوریکه صلاحیت دولت در وضع تصویبنامه یا آئین نامه محدود و مقید به چهار مورد مذکور در اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی است و نه خارج از این موارد ، صلاحیت رئیس مجلس در ورود ماهوی به مصوبه مطروحه نیز محدود و مقید است به اینکه مصوبه مزبور ناظر به یک یا چند و یا تمام موارد چهارگانه مذکور در این اصل باشد و نه خارج از آن

۲- محدوده صلاحیت و مسئولیت کمیسیونهای دولت و رئیس مجلس شورای اسلامی در اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی

الف : واضعان قانون اساسی بشرح پاراگراف دوم اصل یکصد و سی و هشتم با این بیان "دولت می تواند تصویب برخی از امور مربوط به وظائف خود را به کمیسیونهای متشکل از چند وزیر واگذار نماید . مصوبات این کمیسیونها در محدوده قوانین پس از تأیید رئیس جمهور لازم الاجراء است " ضمن تعیین محدوده صلاحیت دولت بواگذاری تصویب برخی از امور مربوط بوظائف خود به کمیسیونها و تعیین محدوده صلاحیت این کمیسیونها به آنچه دولت به هر کمیسینی واگذار نموده است در واقع هم محدوده مسئولیت یا اختیار دولت و هم محدوده مسئولیت یا اختیار کمیسیونهای مذکور در این اصل را مشخص نموده اند

ب: با تحقق مدلول پاراگراف اول اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی بشرح فوق که مبین اعمال نظر واضعان قانون اساسی چه از طرف دولت و چه از طرف کمیسیونهای دولت است صلاحیت رئیس مجلس شورای اسلامی در ورود ماهوی وی نسبت به چنین مصوباتی نیز تحقق یافته و سپس با توجه به پاراگراف دوم اصل فوق الذکر با این عبارت "تصویبنامه ها و آئین نامه های دولت و کمیسیونهای مذکور در این اصل ، ضمن ابلاغ برای اجراء به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی میرسد تا در صورتیکه آنها را بر خلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدید نظر به هیأت وزیران بفرستد " صلاحیت رئیس مجلس شورای اسلامی در بررسی و اعلام نظر ماهوی نسبت به مصوبات کمیسیونهای دولت استقرار می یابد .

نتایج مترتب بر جزء های "الف" و "ب" این بند

لزوم قانونی واگذاری برخی از امور مربوط بوظائف دولت به کمیسیونهای متشکل از چند وزیر از طرف هیأت وزیران و لزوم قانونی وضع تصویبنامه یا آئین نامه از طرف این کمیسیونها اولاً در

## تصالی

چهار چوب موارد مذکور در اصل یکصد و سی و هشتم و ثانیاً در محدوده آنچه هیأت وزیران به آنها واگذار نموده است و نیز مقید بودن صلاحیت رئیس مجلس شورای اسلامی در بررسی و اعلام نظر ماهوی نسبت به مصوبات کمیسیونهای دولت در آغاز، به اعمال نظر واضعان قانون اساسی در اصل فوق الذکر از طرف دولت در واگذاری برخی از امور مربوط بوظائف خود به کمیسیون متشکل از چند وزیر و سپس به لزوم رعایت این کمیسیونها در وضع تصویبنامه یا آئین نامه چه در خصوص موارد چهارگانه مذکور در اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی و چه در محدوده آنچه هیأت وزیران به کمیسیونهای مزبور واگذار نموده است یا به بیانی روشن تر اولاً صلاحیت دولت در واگذاری وضع تصویبنامه یا آئین نامه به کمیسیونها محدود و مقید است به برخی از امور مربوط بوظائف خود، در چهارچوب موارد چهارگانه در اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی ثانیاً صلاحیت کمیسیونهای مزبور در وضع تصویبنامه و آئین نامه نیز محدود و مقید است به اعمال نظر واضعان قانون اساسی در اصل مذکور از یکسو و رعایت اموری که هیأت وزیران به این کمیسیونها واگذار نموده است از سوی دیگر و ثالثاً صلاحیت رئیس مجلس شورای اسلامی در بررسی و اعلام نظر ماهوی نسبت به مصوبات کمیسیونها دولت دائر مدار آنست که دولت در واگذاری برخی امور به کمیسیونها در وضع مصوبات، نظر واضعان قانون اساسی در اصل یکصد و سی و هشتم را اعمال و کمیسیونها نیز ضمن اعمال این نظر در چهارچوب امور محوله از طرف دولت به آنها عمل کرده باشند.

### ۳- عصاره و چکیده بندهای سه گانه قبل

الف: نه هیأت وزیران صلاحیت وضع تصویبنامه یا آئین نامه ای را دارد که خارج از موارد چهارگانه مذکور در اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی بتصویب رسیده است و نه رئیس مجلس شورای اسلامی، صلاحیت بررسی و اعلام نظر ماهوی نسبت به چنین مصوباتی را دارد

ب: نه کمیسیونهای دولت صلاحیت وضع تصویبنامه یا آئین نامه ای را دارند که خارج از امور واگذار شده به آنها از طرف هیأت وزیران و یا خارج از موارد چهارگانه مذکور در اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی است و نه رئیس مجلس شورای اسلامی صلاحیت بررسی و اعلام نظر ماهوی نسبت به این قبیل مصوبات را دارد

۴- تجزیه و تحلیل حقوقی و قانونی رسالت رئیس مجلس شورای اسلامی در انطباق یا عدم انطباق مصوبات دولت و کمیسیونهای دولت با اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی

نظر به اینکه از رهگذر طرح این سؤال مقدر و پاسخگوئی به آن که آیا رئیس مجلس شورای اسلامی اساساً مجاز به بررسی ابتدائی تطابق یا عدم تطابق مصوبات هیأت وزیران و کمیسیونهای

## تفسیر

دولت با اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی می باشد یا نه ، قضیه وضوح بیشتری خواهد یافت لذا ذیلاً با پاسخگوئی به این سؤال مقدر ، به تجزیه و تحلیل حقوقی و قانونی رسالت رئیس مجلس شورای اسلامی در این خصوص می پردازد

با اذعان به اینکه واضعان قانون اساسی در اصل مذکور بتصریح ، چنین رسالت یا مسئولیتی را به رئیس مجلس شورای اسلامی محول ننموده اند معذک عقیده دارد با عنایت به ارزش و اهمیت بسیار مهم و بنیانی قانون اساسی و اولویت آن نسبت به سایر قوانین و نیز بالتفات به ضرورت اجرا و اعمال آنچه واضعان این قانون تبیین و اراده کرده اند از یکسو و لزوم اهتمام فراوان به جلوگیری از هر اقدام و عمل مخالف نظر واضعان قانون مزبور و به اعتباری بیش از همه اهتمام تام و تمام به جلوگیری از اجراء مصوبات مغایر با ؟ اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی چه از نظر بسیار مهم و نوعاً سرنوشت ساز بودن بسیاری از این مصوبات و چه از نظر قوت اجرائی یافتن مصوبات مزبور به محض ابلاغ ، از سوی دیگر بنظر بسیار بعید می نماید که واضعان قانون اساسی با نادیده انگاشتن قاعده تلازم فیما بین مسئولیت و اختیار در مقام سلب اختیار رئیس مجلس شورای اسلامی از امری آنچنان مهم و اساسی یعنی تطابق یا عدم تطابق مصوبات دولت و کمیسیونهای دولت با اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی بوده و در نتیجه اجازه داده باشند که وی با چشم بستن به هر آنچه واضعان قانون اساسی در این اصل تبیین یا اراده کرده اند فی المثل مصوباتی را که حسب مورد خرج از محدوده صلاحیت یا مسئولیت هیات وزیران یا کمیسیونهای دولت وضع شده است ماهیتاً مورد بررسی و اعلام نظر قرار داده و در نتیجه بلحاظ عدم مغایرت آنها با قوانین موضوعه که در درجه نازلتری از قانون اساسی قرار دارند از رهگذر صحنه گذاردن یا مهر تأیید زدن به چنین مصوباتی قوت و قدرت تداوم اجرا نیز ببخشد.

بنا به مراتب مذکور چنین بنظر می رسد که لازم است رئیس مجلس شورای اسلامی در نخستین اقدام خود حسب مورد تصویبنامه مطروحه را از جهت مطابقت یا عدم مطابقت با نظر واضعان قانون اساسی در اصل یکصد و سی و هشتم مورد ارزیابی قرار داده و از این رهگذر دریابد که در خصوص اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی حسب مورد دولت یا کمیسیون مربوط نظر واضعان قانون اساسی این اصل را رعایت کرده اند یا نه و بدیهی است چنانچه رئیس مجلس شورای اسلامی در ارزیابی ابتدائی خود بشرح فوق به این نتیجه دست یافت که تصویبنامه مطروحه نزد وی بدون اعمال آنچه واضعان قانون اساسی تبیین یا اراده کرده اند بتصویب رسیده است در اینصورت با منتفی بودن امر بررسی و اعلام مغایرت یا عدم مغایرت مصوبه مطروحه با قوانین ناگزیر است

تفسیری

بلحاظ مغایرت تصویبنامه مزبور با آنچه واضعان قانون اساسی تبیین یا اراده کرده اند از ورود ماهوی به متن تصویبنامه مورد نظر خودداری نماید.

۵- ارزیابی نتایج بدست آمده از استدلالهای سابق الذکر در رابطه با نظر تفسیری شورای محترم نگهبان نظر به اینکه محتمل است گفته شود نظر تفسیری شماره ۲۱۰۱ مورخ ۱۳۷۱/۶/۱۶ شورای محترم نگهبان قانوناً مانع از آنستکه رئیس مجلس شورای اسلامی بتواند از رهگذر ارزیابی مصوبات موضوع اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی و تشخیص عدم مطابقت مصوبات مذکور با نظر واضعان قانون اساسی این قبیل مصوبات را مغایر قانون اساسی دانسته و در نتیجه از بررسی ماهوی مصوبات مطروحه خودداری کند لذا در پاسخ به این احتمال گفته می شود همانگونه که حتی با اندک دقت بنظر تفسیری مزبور با این بیان "کلمه قوانین مذکور در اصل (۱۳۸) قانون اساسی شامل قانون اساسی نمی شود" بدست می آید شورای محترم نگهبان اساساً فارغ از صلاحیت شکلی یا مسئولیت ابتدائی رئیس مجلس شورای اسلامی در ارزیابی مصوبات دولت از جهت تطابق یا عدم تطابق آنها با آنچه واضعان قانون اساسی تبیین یا اراده کرده اند در واقع با این فرض که اولاً مصوبات مطروحه وفق نظر واضعان قانون اساسی بتصویب رسیده و ثانیاً رئیس مجلس شورای اسلامی نیز از رهگذر دقت در سوابق امر به همین نتیجه دست یافته است در مقام بیان این معنی بوده است که با تحقق نظر واضعان قانون اساسی، رئیس مجلس شورای اسلامی در رسیدگی ماهوی چنین مصوباتی نمی تواند با استناد به دیگر اصول قانون اساسی مصوبات دولت را مغایر با قانون بداند بنابراین مذکور بنظر می رسد نظر تفسیری فوق الاشعار اصولاً منصرف از مواردی است که رئیس مجلس شورای اسلامی بلحاظ عدم مطابقت مصوبات دولت با نظر واضعان قانون اساسی از رسیدگی ماهوی نسبت به این قبیل مصوبات خودداری می کند شاهد و مؤید این نظر آنستکه در مواردی که رئیس مجلس شورای اسلامی پس از نظریه تفسیری مزبور با خودداری از اعلام نظر نسبت به مصوباتی که مغایر شرع یا قانون اساسی تشخیص و آنها را برای اظهار نظر به شورای محترم نگهبان ارسال داشته است نه فقط خرده یا ایرادی به این امر گرفته نشده بلکه در هر دو مورد، این شورا اظهار نظر نیز نموده است.

نظر به اینکه با عنایت بمراتب سابق الذکر، اتخاذ تصمیم یا اعلام نظر رئیس مجلس شورای اسلامی در خصوص تصویبنامه شماره ۲۰/۵۳۱-س/ت ۳۱۲ک مورخ ۱۳۸۳/۵/۱۱ و مصوبات مشابه نیازمند جلب نظر تفسیری آن شورای محترم است لذا چنانچه استدلالهای بعمل آمده در خصوص منصرف بودن نظر تفسیری شماره ۲۱۰۱ - ۱۳۷۱/۶/۱۵ از اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی مورد تأیید قرار گیرد، خواهشمند است نظر تفسیری شورای محترم نگهبان در این خصوص را اخذ

تصالی

و به اینجانب ابلاغ فرمائید و لکن در غیر اینصورت جلب نظر تفسیری آن شورای محترم که  
متضمن تعیین تکلیف رئیس مجلس شورای اسلامی در موارد ذیل باشد مورد تقاضاست :

الف : هیات وزیران مستنداً به اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی لکن خارج از موارد چهارگانه  
مذکور در این اصل یعنی وضع تصویبنامه یا آئین نامه برای ۱- اجرای قوانین ۲- انجام وظائف اداری

۳- تامین اجرای قوانین ۴- تنظیم سازمانهای اداری بوضع تصویبنامه یا آئین نامه اقدام کرده باشد

ب: هیات وزیران ضمن استناد به اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی امر یا اموری را به  
کمیسیون مربوط محول نموده باشد که خارج از محدوده موارد چهارگانه مذکور در اصل مزبور

است

ج: کمیسیون مربوط با وصف استناد به اصل یکصد و سی و هشتم خارج از چهار چوب امور محوله از

طرف دولت به آن و یا زائد از موارد چهارگانه مذکور در اصل فوق الذکر تصویبنامه یا آئین نامه ای

وضع نموده باشد .

غلامعلی حداد عادل

رئیس مجلس شورای اسلامی